

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نېاشد تن من مېباد
همه سر به سر تن به کشتن دهيم

بدین بوم و بر زنده یک تن مېباد
از آن به که کشور به دشمن دهيم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Satire

طنز

خالق داد پغمانی - موشن

۰۱ مارچ ۲۰۱۴

آقای «یونس»، اشتباه یا خیانت

از زمانی که «جادو» در خانه ها راه پیدا کرده، در پهلوی آن که هموطنان خارج از کشور ما، با چهره های هنری، ادبی و سیاستمداران تیپ جدید آشنائی پیدا می کنند، به اساس رقابت افسار گسیخته تقریباً اکثر تلویزیونهای داخل و خارج کشور با همدیگر، روزی نیست که چشم بیننده آن تلویزیونها به چهره نامبارک یک چلی، آخند، ملا و مولوی تازه آشنا نشده باشد.

مصیبت به همین جا ختم نشده، از آن جایی که تنور مسلمان نمائی، اسلام پناهی و تبلیغ برای اسلام از برکت وجود دالر های امریکائی، پوند انگلیس، یوروی اروپای متحد و از همه بالاتر در هم و دینار کشور های عربی به خصوص عربستان سعودی و کشور های خلیج فارس، به قدر کافی داغ است و می تواند هر خمیری را ولو فطیر (افغان نویس این کلمه را فطیر قید کرده است) و نارس باشد یا بی نمک، به نان تبدیل کند، عده ای از شبه روشنفکرانی که می خواهند در این تنور گرم نان خویش را پزیده، کلاهی برای سر خویش بیابند، نیز به طرف اسلام نمائی روی آورده، از آن طریق می خواهند دروازه های ترقی و کسب کرسی های مقامات دولتی را در افغانستان در خون تپیده بر روی خویش بگشایند. یکی از همین نوع افراد، آقای داکتر «فرید یونس» است، که از طریق تلویزیون «نور» به صورت منظم منبر رفته، با تأسف بدون آن که از معنای آیات درک کاملی داشته باشد، اسلام قرن ۷ میلادی را در لباس قرن ۲۱ پیچانده، از آن طریق پرگرامهای خاص خود را پیش می برد. جناب شان که در اساس به جای تبلیغ اساسات اسلام، با تبلیغ اسلام امریکائی شده تیشه به ریشه اسلام می زند، در تبلیغات عقب مانده ترین اقشار و یا هم ناتوان ترین اشخاص در اجرای دساتیر عملی اسلام را مد نظر گرفته، به اصطلاح سیاسی با برخورد پوپولیستی، به جای تبلیغ اسلام، در بعضی مواقع مبلغ شرکت های «کوسوموتیک» نیز می گردد. مثلاً:

جناب شان روی هر دلیلی که نزد خود دارند، وقتی راجع با آرایش خانمها و استفاده از عطریات صحبت می کند، بی محابا فتوا می دهند که زنها حق دارند آرایش بکنند، از عطریات استفاده نمایند، کریم های مختلف را به کار ببرند و رنگ ناخن بزنند.

نمی خواهم در اینجا سوء تفاهم رخ دهد که گویا، خالق داد، به طرف «سیاف» دیده، موضع سختگیرانه وی را تبلیغ می نماید، بلکه آنچه می خواهم بنویسم این است:

یا فردی مسلمان هست و یا نیست، اگر هست می باید در نظر و عمل از اسلام اطاعت و پیروی نماید، اگر پیروی نمی کند، شجاعانه بگوید، که در این زمینه ها، در قید اطاعت از اسلام نیستم، حال اگر مسلمان نیست، مسأله کاملاً فرق می کند. نمی شود که چنین افرادی هر آنچه را خود بخواهند به نام اسلام تبلیغ نمایند، مثلاً همین آرایش خانمها.

کسی که اسلام را قبول می نماید، باید بپذیرد که دیانت اسلام در بین سایر ادیان، متشبهت ترین و کاملترین دین به شمار رفته، در تمام ساحات زندگانی دست دراز خود را داشته از پیروانش انتظار مطلق دارد، تا خود را بدان متصف بسازند. یعنی آن که مسلمان است چه زن باشد و چه هم مرد، مکلف است تا پنج وقت نماز خود را بخواند. برای ادای نماز باز هم مکلف است تا وضو نماید. وضو نمودن یعنی صورت و دست ها را از کریمهای پاک و نجس، پاک ساختن به منظور رسیدن آب، در بشره های محل وضو. از آن جمله ریمیل های چرب چشم و رنگ ناخن.

وقتی جناب داکتر صاحب، فتوا می دهند که زنها حق دارند- هر چند آن را محدود و برای شوهرانشان معرفی می داردسوره نور آیت ۳۱- آرایش نموده، رنگ ناخن بزنند، آیا این را می دانند که رنگ ناخن مانع رسیدن آب به ناخن گردیده در نتیجه یک قسمت از محل وضو خشک می ماند، یعنی وضو ناقص می گردد، یعنی نماز مقلد ساده دلش باطل می گردد. - من تا حال نشنیده ام که کدام زنی پیدا شده باشد که برای هر وقت نماز رنگ ناخن را پاک نموده و بعد از ادای نماز، مجدداً آن را رنگ نماید، اگر داکتر صاحب کدام نمونه سراغ داشته باشند، می توانند من بی خبر را نیز در جریان قرار بدهند- به همین سان کریم های مختلف که در برخی از آنها حتا چربی خوک، الکحل و سایر مواد کیمیائی به کار می رود.

در اینجا باز هم می خواهم موقعم را روشن بسازم:

به نظر من چگونگی لباس پوشیدن و یا نپوشیدن خانمها و یا آقایان، آرایش و یا پیرایشی که انجام می دهند، استفاده از کریمها، رنگ ناخن و ... همه مربوط به خود شخص بوده، هیچ ارتباطی به دین و مذهب ندارد و دین و مذهبی که بخواهد پایش را از موی سر تا موی های زیر ناف معتقدان خود دراز نماید، باید گفت چیزی به نام شخصیت فردی برای معتقدانش قایل نبوده، برای آدمی مثل من مردود و غیر قابل احترام است تا چه رسد به این که قابل اعتقاد باشد. حال با حرکت از چنین منظری وقتی خانمی و یا آقای خود را آرایش می کند، می تواند بگوید که دلم می خواهد، اینکار را بکنم، اما حق ندارد بر خدا و پیامبرش تهمت بسته، عملش را اسلامی جلوه بدهد و این درست همان کاریست که آقای «فریدون» بدان اشتغال دارد.

هر چند از مدتها دلم می خواست، به ارتباط جناب داکتر صاحب، که می خواهند دیانت اسلام را با فرهنگ قرن ۲۱ امریکائی آشتی بدهند، چند کلمه ای خدمت خوانندگان عزیز پورتال بنگارم، مگر هیچ شرایط آن مساعد نمی گردید، تا این که مقاله شان را در پورتال مشاهده نمودم. راستش را بخواهید هر چند در کنار نام فرستنده آمده بود- و یادداشت پورتال- اما چون نمی دانستم یادداشت پورتال چه محتوایی خواهد داشت در اول خیلی تعجب نمودم که پورتال کجا و این آدم خرفت کجا؟ این حالت با دوام مطالعه هر سطر از نوشته ایشان بیشتر می گردید، تا رسیدم به یادداشت پورتال؛ آن وقت بود که فهمیدم، ای دل غافل، تنها من بالای جناب داکتر صاحب کوفتی نبوده ام، بلکه نویسنده یادداشت پورتال و چه بسا تمام متصدیان، همکاران قلمی و حتا خوانندگان پورتال از «خدا» می خواستند که کدام زمانی «دم» داکتر صاحب را در «تلک» پورتال گیر بیندازند. و الحق که در این امر آنچه را جناب داکتر صاحب سزوارش بود، به ایشان رسانیده اند. در اینجا به اجازه خوانندگان پورتال و یادداشت نویس آن، ضمن تأیید ۲۰۰۰ درصد مواضع سیاسی پورتال و شرکت در انتخابات را خیانت دانستن، توجه خوانندگان را به مثابه بحث تکمیلی یادداشت نویس، به این نکته جلب می نمایم:

یکی از مشکلات، جناب داکتر صاحب با اشرف غنی، خارجی بودن و یا عیسوی بودن همسر وی می باشد. چون جناب داکتر صاحب همیشه در حد یک مفتی، فتوا صادر می نمایند، با این انتقاد خود به صورت غیر مستقیم نه تنها در تقابل با آیت قرآن قرار می گیرد، بلکه در عمل شخص محمد را تخطئه می نماید و آنهم بدین شکل:

آنهایی که حناسواد مذهبی و عمومی شاگردان معارف در سطح صنف نهم را دارا بوده و مضمون علوم دینی را صرف به منظور نمره پوره کردن نخوانده، بلکه می خواسته اند آن را به ذهنشان سپرده در جایش رهنمای عملشان قرار دهند، به خوبی می دانند که مرد مسلمان حق دارد با زن اهل کتاب ازدواج نماید، چنانچه در سوره ۵ آیت ۵ چنین آمده است:

«امروز چیزهای پاکیزه برای شما حلال شده و طعام کسانی که اهل کتابند برای شما حلال و طعام شما برای آنان حلال است و [بر شما حلال است ازدواج با زنان پاکدامن از مسلمان و زنان پاکدامن از کسانی که پیش از شما کتاب آسمانی] به آنان داده شده به شرط آنکه مهرهایشان را به ایشان بدهید در حالی که خود پاکدامن باشید نه زناکار و نه آنکه زنان را در پنهانی دوست خود بگیرید و هر کس در ایمان خود شک کند قطعاً عملش تباه شده و در آخرت از زیانکاران است» خوانندگان عزیز!

لطف نموده آیت فوق را که اصولاً باید مبنای اعتقادی جناب داکتر صاحب را بسازد، باز هم بخوانید و در آن دقت کنید، اگر در جایی متوجه این نکته شدید که غرباء می توانند با زنان اهل کتاب ازدواج کنند و اغنیاء نه، کارگران می توانند و رؤسای جمهور نه، لطف نموده من را هم در جریان قرار دهید، در غیر آن دیده می شود که این جناب داکتر، در عین حالی که ادعای تبلیغ برای دین را می نماید، همان طوری که برای خوشنودی خانم های آرایش شده و بهره مند شدن گوشه چشمی از آنها به ارتباط آرایش به خدا و پیامبرش دروغ می بندد، در این مورد هم، می خواهد غلطی و نقصان طرز دید خدایش را اصلاح نموده، حلال خدا را نا درست معرفی بدارد.

از آن گذشته، وقتی انسان به زندگانی محمد پیامبر اسلام نظر می اندازد و می بیند، که شخص پیامبر با زنان اهل کتاب در حالی ازدواج نموده که آنها الی اخیر عمر از دیانت شان برنگشته اند، دیگر این اشرف غنی سگ کی باشد که مقامش از پیغمبر هم بالا تر برود؟

به علاوه مگر نهاد های استخباراتی غرب به خصوص نهاد های ۱۶ گانه ایالات متحده، از اشرف غنی کدام بی وفائی یا نقصانی دیده اند که بخواهند حالا نامبرده را از طریق زنش، مراقبت نموده و به اصطلاح آنچه را خودش دو دسته و آشکارا به غرب نمی دهد، همسرش با تکیه بر روابط زیر لحافی آن را به دست آورده تقدیم غرب نماید؟ آیا چنین طرز تفکری که زن را گمراه استخباراتی دانستن به صورت تلویحی تبلیغ وطنپرستی اشرف غنی و سایر میهن فروشانی از قماش وی نمی باشد؟

آقای داکتر صاحب!

بدون آن که حین تخریب اشرف غنی، پای همسرش را به میان آورده و تمام گناه ها را به گردن قبرغه چپ بیندازی، رک و راست بگو، که تعلق ملیتی اشرف غنی و وابستگی خودت و سایر «امیدی» و تجزیه طلبان شورای نظار علت صدور چنین فتوایی می باشد، و رنه همان طور که گفته اند: «کور هم می داند که دلدۀ شور است» تو به خوبی می دانی که تمام کاندیدان بدون استثناء، یک مشت خاین و وطن فروشی هستند، که از طریق فروش ناموس میهن، می خواهند خود را به چوکی و مقامی برسانند و اصولاً شرکت در انتخابات، عملی است خایانه، می خواهد به اشرف غنی باشد و یا عبدالله عبدالله و یا کدام وطن فروش دیگری.

به مثابه سخن آخر:

یگانه امتیازی که اشرف غنی نسبت به سایرین دارد این است که در حراجی که از ۳۵ سال به این سو از طرف وطن فروشان با نوامیس ملی میهن صورت گرفته، اشرف غنی تنها کسی است که جاده را دو طرف ساخته، جندۀ اسلام را نیز در «کشزار کفر» به صورت رسمی برافراشته و درختی در آنجا غرس نموده است. اگر این گناه است، پس زنده باد چنین گناهی؟؟!!